



۲۷

”

حجت‌الاسلام سید علی خمینی:

هرکس بخواهد با آمریکا
برای صلح مذاکره کند خائن است

هرکس، پیام دوستی به آمریکا بفرستد، خبیث و نجس است

۲۷

”

تفاهم با آمریکا فقط ۳ هفته دوام داشت

✎ از یامداد پنجشنبه ۲۸ خرداد که مسعود پزشکیان و دونالد ترامپ متن یادداشت تفاهم اسلام‌آباد را به صورت دیجیتالی و غیرحضورى امضا کردند فقط ۳ هفته کافی بود تا آمریکا با نقض اکثر مفاد این تفاهم، بار دیگر بدعهدی خود را تکرار کند.

طبق این تفاهم ۶۰ روزه قرار بود در ازای اینکه ایران تنگه هرمز را باز می‌کند، آمریکا تعهداتی انجام دهد مثل توقف جنگ در لبنان، آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده ایران، رفع محاصره دریایی ایران، تعلیق تحریم نفتی ایران، عدم وضع تحریم‌های جدید علیه ایران و توقف حملات به ایران. اما آمریکا در سه هفته گذشته به تدریج همه این موارد را نقض کرد و نهایتاً ترامپ در روزهای اخیر چند بار مدعی شده که آمریکا دیگر به تفاهم آتش‌بس پایبند نیست و آن را تمام‌شده می‌داند.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا بار دیگر بر پایان تفاهم‌نامه آتش‌بس با ایران تأکید کرد. ترامپ با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی خودش موسوم به تروث سوشال نوشت: ایران با ما تماس گرفت و خواستار ادامه مذاکرات شد و ما نیز با آن موافقت کردیم. با این حال، آمریکا به صراحت به طرف ایرانی اعلام کرد آتش‌بس دیگر پایان یافته است.

ترامپ با ذکر «الله»، آتش‌بازی تهدید علیه ایران راه انداخت!

ترامپ روز شنبه در پیامی آکنده از خشم و هراس، بار دیگر ایران را به حمله نظامی با هزاران موشک تهدید کرد و تهدیدش را با ذکر نام «الله» پایان داد. دونالد ترامپ که این روزها بسیار از ترس آن چه ترور از سوی جمهوری اسلامی خوانده، دچار ترس و واهمه شده و زبان به تهدید ایران گشوده است، این بار به کار بردن نام «الله»، ایران را تهدید به حمله موشکی کرد. ترامپ در پیامی که در شبکه اجتماعی سوشال تروث منتشر کرد، نوشت: «هزار موشک مسلح و آماده شلیک، جمهوری اسلامی ایران را نشانه گرفته‌اند و هزاران موشک دیگر نیز بلافاصله در پی خواهند آمد، اگر حکومت ایران تهدید خود را عملی کند؛ تهدیدی که در گوشه‌وکنار جهان علنی شده، مبنی بر ترور، یا تلاش برای ترور رئیس‌جمهور کنونی ایالات متحده آمریکا، که در این مورد یعنی من! دستورها هم‌اکنون صادر شده است و ارتش ایالات متحده، برای یک دوره یک‌ساله با قابلیت تعدید، آماده، مایل و تواناست تا کلیه مناطق ایران را کاملاً نابود و ویران سازد».

رئیس‌جمهور آمریکا در پایان پیام خود با آوردن نام «الله» نوشت «حمد و سپاس خدا را! رئیس‌جمهور دونالد جی. ترامپ».



ضرورت چرخش استراتژیک در تجارت ایران

✎ تشدید ریسک‌های ژئوپلیتیکی در خلیج فارس، اختلال‌های چندماهه در تردد دریایی و تغییر معادلات تجارت منطقه‌ای در سال ۲۰۲۴، بار دیگر وابستگی اقتصاد ایران به امارات را به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران تبدیل کرده است؛ هرچند بازگشت تدریجی تجارت با امارات نشانه‌ای از احیای روابط لجستیکی است، اما کاهش وابستگی به هاب تجاری دبی دیگری انتخاب نیست بلکه به ضرورتی راهبردی برای اقتصاد ایران تبدیل شده است.

در سال‌های گذشته، امارات متحده عربی نه فقط یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایران، بلکه مهم‌ترین مرکز واسطه‌ای برای واردات کالا، ترانزیت، ترانزیت، خدمات لجستیکی و نقل و انتقال مالی محسوب می‌شد. بخش قابل توجهی از کالاهای وارداتی ایران، حتی اگر مبدأ آن‌ها چین، هند یا اروپا بود، ابتدا وارد بندر جبل علی و سپس از طریق لنج‌ها یا کشتی‌های کانتینری راهی بنادر جنوبی ایران می‌شد.

اما تحولات سال ۲۰۲۴ نشان داد اتکای بیش از حد به یک هاب منطقه‌ای می‌تواند هزینه‌های سنگینی برای اقتصاد کشور ایجاد کند. جنگ، افزایش ریسک‌های بیمه‌ای، اختلال در کشتیرانی، توقف موقت فعالیت برخی خطوط حمل‌ونقل و افزایش هزینه‌های لجستیکی، زنجیره تأمین ایران را با چالش‌های کم‌سابقه‌ای روبه‌رو کرد. هرچند در هفته‌های اخیر روند ترخیص کالا در بندر جبل علی از سر گرفته شده و تجارت میان دو کشور به تدریج در حال عادی شدن است اما تجربه ماه‌های گذشته این پیام را برای فعالان اقتصادی داشت که وابستگی به یک مسیر، اقتصاد را در برابر شوک‌های سیاسی و امنیتی آسیب‌پذیر می‌کند.

امارات: شریک تجاری یا گلوگاه تجارت ایران؟

بررسی آمارهای تجاری نشان می‌دهد امارات همچنان یکی از بزرگ‌ترین مبادی تأمین کنندگان کالا برای ایران است و سهم قابل توجهی از واردات کشور از طریق این مسیر انجام می‌شود. بخش مهمی از این تجارت نیز نه صادرات واقعی امارات، بلکه صادرات مجدد کالاهایی است که از شرق آسیا، اروپا و سایر بازارها وارد دبی شده و سپس به ایران ارسال می‌شود. طبق آمارهای تجاری، امارات در سال ۲۰۲۴ همچنان حدود یک پنجم واردات ایران را در اختیار دارد؛ موضوعی که نشان می‌دهد هرگونه اختلال در عملکرد این هاب تجاری می‌تواند زنجیره تأمین بسیاری از صنایع کشور را تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر، زیرساخت‌های پیشرفته بندر جبل علی، دسترسی گسترده به خطوط کشتیرانی بین المللی، خدمات بانکی، بیمه‌ای و لجستیکی باعث شده است بسیاری از تجار ایرانی حتی در شرایط تحریم نیز فعالیت خود را از طریق این بندر ادامه دهند. بااین حال، بحران‌های اخیر نشان داد تمرکز تجارت بر یک نقطه، ریسک سیستماتیک ایجاد می‌کند؛ ریسکی که نه فقط تجارت بلکه امنیت غذایی، تأمین مواد اولیه کارخانه‌ها و حتی صادرات غیرنفتی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

چابهار، عمان و هند: ملّت جدید تجارت ایران؟

اگرچه حذف کامل نقش امارات در این موضوع، در کوتاه‌مدت امکان پذیر نیست اما کارشناسان معتقدند متنوع سازی مسیرهای تجاری کاملاً قابل اجراست. در این میان، بندر اقیانوسی چابهار مهم‌ترین گزینه داخلی محسوب می‌شود. تنها بندر اقیانوسی ایران به دلیل دسترسی مستقیم به دریای عمان و اقیانوس هند، بدون عبور از تنگه هرمز، ظرفیت تبدیل شدن به یک هاب منطقه‌ای را دارد. این ویژگی در شرایطی که امنیت تردد در خلیج فارس با چالش روبه‌رو می‌شود، اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. در کنار چابهار، بنادر بحرار، صلالة و شناس عمان نیز طی ماه‌های اخیر بیش از گذشته مورد توجه تجار ایرانی قرار گرفته‌اند. عمان به دلیل روابط متوازن با ایران و کشورهای غربی، زیرساخت‌های بندری مناسب و دسترسی آسان به بازارهای بین المللی، می‌تواند بخشی از نقش واسطه‌ای امارات را بر عهده بگیرد. هند نیز با اتکا به بندر مومندرا و اتصال آن به کریدورهای بین المللی، یکی دیگر از گزینه‌های مطرح برای تنوع بخشی به مسیرهای تجاری ایران است. همچنین بندر گوادر در پاکستان و بندر حمد قطر می‌توانند در برخی مسیرهای خاص، نقش مکمل ایفا کنند.

البته باید توجه داشت که جایگزینی امارات صرفاً به معنای انتقال کالا از یک بندر به بندری دیگر نیست. ایجاد خطوط منظم کشتیرانی، کاهش هزینه‌های حمل، توسعه انبارداری، ایجاد مراکز توزیع، تسهیل خدمات بانکی و جذب شرکت‌های لجستیکی، پیش شرط موفقیت این راهبرد است.

پیام‌های پولی و تجارت آزاد: حلقه مفقوده کاهش وابستگی

تنوع بخشی به مسیرهای حمل‌ونقل، بدون اصلاح ابزارهای مالی، نمی‌تواند وابستگی ایران را کاهش دهد.

یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های موجود، اجرای توافق تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیاست؛ توافقی که از سال ۲۰۲۵ اجرایی شده و در نخستین سال اجرای کامل آن، حجم تجارت طرفین رشد محسوسی را تجربه کرده است. این توافق بخش عمده‌ای از کالاهای مشمول تعرفه ترجیحی یا صفر کرده‌وم می‌تواند مسیر جدیدی برای صادرات واردات ایران ایجاد کند. در کنار آن، استفاده از پیمان‌های پولی دو جانبه، حساب‌های متقابل، تهاژ سازمان یافته و توسعه سامانه‌های پرداخت منطقه‌ای می‌تواند وابستگی به شبکه‌های مالی واسطه را کاهش دهد. از سوی دیگر، توسعه ارزهای دیجیتال بانک‌های مرکزی (CBDC) در کشورهای عضو بریکس و برخی اقتصادهای آسیایی نیز افق تازه‌ای برای تجارت فرامرزی ایجاد کرده است. هرچند این ابزارها هنوز جایگزین کامل نظام مالی سنتی نشده‌اند اما می‌توانند بخشی از محدودیت ناشی از تحریم و نقل و انتقال پول را کاهش دهند. واقعیت این است که امارات طی دودوه گذشته صرفاً یک شریک تجاری برای ایران نبوده، بلکه به مرکز اصلی شبکه توزیع، تأمین مالی، خدمات لجستیکی و صادرات مجدد کالا تبدیل شده است؛ بنابراین انتظار حذف سریع این نقش، واقع بینانه نیست. حتی در جریان بحران‌های سال ۲۰۲۴ نیز با وجود اختلال در تجارت، پس از کاهش تنش‌ها روند ترخیص کالا در جبل علی از سر گرفته شد؛ موضوعی که نشان می‌دهد این بندر همچنان جایگاه مهم خود را حفظ کرده است. بااین حال، آنچه امروز اهمیت بیشتری دارد، جایگزینی کامل امارات نیست؛ بلکه کاهش سهم انحصاری آن در تجارت خارجی ایران است. اگر واردات و صادرات کشور میان چند مسیر مختلف از جمله چابهار، عمان، قطر، هند، پاکستان و کریدور شمال- جنوب توزیع شود، هرگونه بحران سیاسی یا امنیتی اثر بسیار کمتری بر اقتصاد خواهد گذاشت.



رهبر معظم انقلاب: انتقام، خواست ملت ما است

گزارش

و علی جَدّک و اَیَبک و اَیَمک و اَخیبک و المصموّین من وُلَیدِک. سلام بر امامی که ندای حیات بخش قیامش، پژواکی عظیم و برطنین از بعثت نبوی را تا اعماق دوردست تاریخ امتداد

بخشید و از اثر آن انقلاب اسلامی ایران پدید آمد. انقلابی که از اساس حسینی بود و با شعار و مرام حسین ساخته شد و بالید. آقای شهید ایران هم با همین مرام رشد کرد. او حسینی بود، حسینی اندیشید، حسینی حرکت کرد، حسینی جهاد و مقاومت نمود، حسینی زیست، و حسینی خون خود را در راه مکتب

حسین تقدیم کرد و به شهادت رسید. در زمره ی حسینیان، کسانی هستند که وقتی در راه حسین و برای مکتب و مرام حسین علیه السلام، خون شان مظلومانه بر زمین می ریزد، ای مظلوم سرافراز! ای بنده ی صالح خدا! حال که با چشمان اشکبار و دل‌های شکسته با یک‌ر شما وداع می‌کنیم، با شما عهد

می‌بندیم که مکتب شما را پاس بداریم و آن طریق مستقیمی که شما ترسیم کردید را با استقامت پیمیایم و در این راه از سختی‌ها نهراسیم، و همچون شما به پشارات و وعده‌های

پایان بازی وام‌گیرندگان خاص در شبکه بانکی؟

✎ یک کارشناس پولی، ایجاد دستورالعمل جدید بانک مرکزی برای مهار وام‌های بزرگ را تشریح کرد. فرشاد قاسمعلی، کارشناس پولی و بانکی، با اشاره به ابلاغ نسخه جدید «دستورالعمل تسهیلات و تعهدات بانک مؤسسات اعتباری» با بخشنامه شماره ۵/۷۸۴۰۵ مورخ ۱۴۰۵/۴/۸ به شبکه بانکی تصریح کرد که چنین بخشنامه‌هایی معمولاً در حاشیه اخبار اقتصادی می‌مانند، اما این مورد شایسته توجه بیشتری است؛ چراکه به یکی از ریشه‌دارترین مشکلات نظام بانکی کشور یعنی تمرکز منابع بانک در اختیار عده‌ای محدود بازمی‌گردد.

وی با بیان اینکه صورت مسئله در این زمینه کاملاً روشن است، افزود: وقتی بخش قابل توجهی از منابع یک بانک به چند مشتری یا گروه خاص اختصاص می‌یابد، سرنوشت سپرده‌های مردم عملاً به توان بازپرداخت همان چند مشتری گره می‌خورد. وی خاطرنشان کرد: که اگر یکی از آن‌ها نتواند یا نخواهد بدهی خود را بازگرداند، مشکل در محدوده بانک باقی نمی‌ماند و به سپرده‌گذاران و در نهایت کل اقتصاد سرایت می‌کند که تجربه برخی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در سال‌های گذشته گواه همین واقعیت است. این کارشناس پولی و بانکی با تأکید بر اینکه دستورالعمل جدید چند تغییر مشخص دارد که درمجموع در جهت درستی ارزیابی می‌شود، گفت: نخست آنکه آستانه شناسایی تسهیلات کلان کاهش یافته است؛ به‌طوری‌که در مقررات پیشین، وقتی مجموع تسهیلات و تعهدات یک مشتری از ۱۰ درصد سرمایه بانک عبور می‌کرد، پرونده او کلان محسوب و مشمول گزارش‌دهی می‌شد، اما اکنون این حد به ۵ درصد سرمایه لایه یک رسیده است. وی سرمایه لایه یک را معیار محتاطانه‌تری دانست و توضیح داد: نتیجه عملی این تغییر آن است که بانک مرکزی زودتر درباره پرونده‌های بیشتری در جریان قرار می‌گیرد و تعیین حد جداگانه ۳ درصدی برای شعب بانک‌های خارجی نیز نشان از دقت در تدوین متن دارد. قاسمعلی در ادامه، موضوع ذی‌نفع واحد را مهم‌ترین بخش این دستورالعمل دانست و اظهار داشت: یک شبهه شایسته‌شد برای دور زدن سقف‌های اعتباری این بوده که وام بزرگ مشتریان نیست و خود بانک نیز با سقف‌های مشخصی که در عمل مالک یا مدیریت واحد دارند.

وی با اشاره به اینکه دستورالعمل جدید، بانک‌ها را موظف کرده روابط مالکیتی، مدیریتی، خانوادگی، مالی و قراردادی متقاضیان را در کنار هم ببینند، تصریح کرد: چنانچه شخص یا شرکت عملاً یک مجموعه باشند، باید همه را یکجا محاسبه کنند.

او سقف تعیین شده را مشخص خواند و افزود: مجموع خالص تسهیلات و تعهدات هر ذی‌نفع واحد نباید از ۲۰ درصد سرمایه لایه یک بانک فراتر رود، هرچند که اثر بخشی این بخش به توان بانک‌ها در تسناسایی این روابط بستگی دارد و کار ساده‌ای نیست، اما چارچوب آن اکنون به روشنی وجود دارد. قاسمعلی با بیان اینکه محدودیت‌ها صرفاً متوجه مشتری نیست و خود بانک نیز با سقف‌های مشخصی روبه‌روست، گفت: مجموع کل تسهیلات و تعهدات کلان هر بانک نباید از ۱۰ برابر سرمایه لایه یک آن بیشتر شود؛ به بیان دیگر، بانک نمی‌تواند ترانزنامه درود از پرونده‌های بزرگ انباشته و ریسک خود را بالا ببرد. این کارشناس پولی و بانکی در ادامه به حکمی اشاره کرد که برای سپرده‌گذاران از همه ملموس تر است و یادآور شد مؤسسه اعتباری که نسبت کفایت سرمایه آن منفی است تا زمان اصلاح وضعیت، حق ایجاد تسهیلات و تعهدات کلان جدید ندارد چراکه منطبق این حکم روشن است و بانکی که بنیبه مالی ضعیفی دارد، نباید ریسک تازه‌ای بردوش سپرده‌گذاران بگذارد.

الهی دل بندیدم.

عهد می‌بندیم که انتقام خون پاک شما و همه‌ی شهیدان این دو جنگ را از قاتلین جنایتکار و بی‌آبرو بگیریم. این انتقام، خواست ملت ما است و به‌طور حتمی باید صورت بگیرد. این جنایتکاران که فهرستی از صدر تا ذیل‌شان موجود است، آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به‌گور خواهند برد. آنها باید بدانند که این امر، متوقف بر وجود شخص من یا سایر مسئولان نیست. ما باشیم یا نباشیم، این مطلب محقق خواهد شد و بزودی آحادی از آزادگان در سراسر دنیا هر یک بخشی از این مأموریت الهی را انجام خواهند داد.

ای پدر شهید اقت، نوشیدن شهد شهادت که عمری در آرزوی آن بودید، گوارا یتان با د. پوشیدن خلعت شهادت با بدنی که نشان‌ها از مادران زهرای اطهر و جدّتان ابا عبدالله الحسین و ابا الفضل العباس علیهم الصلاّة و السلام دارد، مبارک‌تان باشد.

و شمای همراهان مظلوم او که غافلگیرانه مورد هجوم دشمن قرار گرفتید و به شهادت رسیدید، خوشا به حال‌تان که اینک میهمان آن مولائی هستید که شاید بارها رأفت و لطف‌شان را در کمر کرده بودید. آن آقائی که باب رحمت الهی برای همه و بخصوص مردمان این سرزمین هستند، اینک میزبان شمایند و جوار امیر شان خانه‌ی شما شده است.

و شمای سرور عالی مقام! ای بزرگوار! ای امام رفو! یا اباالحسن الرضا المرتضی که برترین صلوات خدا بر شما باد، اکنون جسم باره یاره ی خادمی از خدامین حضرت‌تان و عترت طاهره، پس از سال‌ها جدّ و جهد و مجاهدت بی‌وقفه به همراه ابدان شهدایی از خانواده‌اش که هریک یادآور شهیدی از شهیدان دشت کربلا است، در این خاک پاک می‌آیند تا آن روزی که به امر الهی، خورشید عالم تاب، حضرت بقیه‌الله عجل‌الله تعالی فرجه الشریف، از پس ابرهای غیبت بیرون آید و بر مردمان کره ی خاکی، نور رحمت الهی را بپایانند که در آن روز که امید داریم خیلی زود برسد، ستارگانی از میان صدّیقین و شهدا و اولیاء، آن حضرت راه‌همراهی خواهند کرد و امید داریم که آقای شهیدمان یکی از آنان باشد و بار دیگر صحنه‌هایی درخشان و ناب از مجاهدت و وفای به عهد آلت‌س را به نمایش بگذارد و شاید این همراهان در آن روز هم‌او را همراهی کنند.

ای مولای رفو! آقای‌مان که همه چیزش را در راه شما صرف کرد و همراهان شهیدش را به شما و لطف و عنایت جناب‌تان می‌سپارم تا همچنان که در حیات دنیوی خود از لطف شما بهره‌مند بودند، از این پس هم همان‌طور و بلکه بسیار با لائق و بیشتر از آن برخوردار باشند. در آخر، بار دیگر به سرورمان حضرت بقیه‌الله عجل‌الله تعالی فرجه الشریف تسلیت عرض می‌کنیم و از آن بزرگوار مهربان درخواست می‌کنیم که ادعیه ی زاکیه ی خود را متوجه آقای شهید ایران و همراهان شهیدش و همه شهدا بفرمایند و جلّ و علا ی را ی همه ی شهیدان علو دجات و برای بازماندگان ایشان صبر و اجر و برای ملت مظلوم ایران فتح و نصرت قطعی و قریب الوقوع طلب نمایند، ان شاء الله.

سید مجتبی حسینی خامنه‌ای

۱۸ تیر ۱۴۰۵



وی با بیان اینکه جسارت به ملت ایران و به شهادت رساندن رهبر انقلاب زخمی بزرگ بردل مردم گذاشت، اظهار کرد: اگر کسی بتواند در برابر چنین جنایتی واکنشی نشان دهد اما اقدامی نکند، باید در وجدان خود تردید کند.

استاد حوزه علمیه با تأکید بر ضرورت انتقام رهبر شهید گفت: آن مسئولی که بخوابد و در فکر انتقام رهبر شهید نباشد باید به وجدانش شک کند. استاد حوزه علمیه ادامه داد: اگر می‌بینید که ایران صحبت از مذاکره به معنای صلح با آمریکا نیست؛ مگر می‌شود که امام حسین (ع) با یزید صلح کند؟ مگر می‌شود ما با آمریکای جنایت‌کار صلح کنیم؟ اصلاً هویت ما سازش‌ناپذیری با استکبار است.

نوه امام را حل (ره) درباره موضوع مذاکره نیز گفت: مذاکره به معنای صلح با آمریکا نیست؛ مذاکره نیز یکی از میدان‌های نبرد است و هرکس بخواد با ارسال پیام دوستی به آمریکا از اصول انقلاب عقب‌نشینی کند، مسیر درستی را دنبال نمی‌کند.

استاد حوزه علمیه افزود: هرکس بخواد مذاکره کند برای اینکه با آمریکا به صلح برسد او خائن است، هرکس پیام دوستی به آمریکا بفرستد د هانش خبیث و نجس است. وی افزود: پس از این حوادث، میان ملت ایران و آمریکا دشمنی عمیق‌تری شکل گرفته و این جنایت هرگز از حافظه ملت ایران پاک نخواهد شد.

تکلیف برای ایران سخن می‌گفت، اما این ملت بود که با حضور در میدان، همه این محاسبات را برهم زد و نشان داد برای تعیین سرنوشت خود به هیچ قدرت داخلی یا خارجی وابسته نیست.

وی با اشاره به ادامه حضور مردم در صحنه، اظهار کرد: ملت با فهم و تشخیص خود، هنگامی که شرایط کشور را خطیر دید، به میدان آمد. امروز نیز بسیاری می‌پرسند آینده این حضور خیابانی چگونه خواهد بود؛ پاسخ روشن است، تا زمانی که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای دستور دهند، این مردم در خیابان‌ها و میدان‌ها خواهند ماند و هر زمان که معظله صلاح بدانند، همان مردم در عرصه‌ای که تکلیف شود، حضور خواهند یافت.

یادگار امام خمینی رحمت‌الله علیه، تصریح کرد: این نمی‌شود که ما فقط در هنگام بزرگ‌ها دست به دامان مردم بشویم که به خیابان و میدان‌ها بیایند و فقط آن زمان که چشم‌ها و مشتم‌های کثیف دشمنان به دنبال از بین بردن جمهوری اسلامی است، به این مردم تکیه کنیم. آنان به خیابان‌ها بیایند، همه برنامه‌ها و طرح‌های سالیان سال دشمنان ما را از بین ببرند و بعد بگوئیم که تند و افراطی هستند. اگر آنان، دم از انتقام گرفتن از خون شهید می‌زنند و برای انتقام خون شهید سید علی خامنه‌ای شعار می‌دهند و فریاد می‌زنند، بگوئیم تندرو و افراطی هستند. نخیر، آنان همان مردمی بودند که کشور و ناموس شما را حفظ کردند.



در بحث ترمیم مزد، با در نظر گرفتن تورم این اقلام ضروری

سفره‌ها، مزد افزایش یابد.

عضوهای مدیره کانون شورا‌های اسلامی کار تهران خاطرنشان کرد: ما چیزی اضافه بر قانون وعده‌ها و قول‌های خودشان در شورای عالی کار نمی‌خواهیم. این مواردی که ما مطالبه می‌کنیم، بخش لاینفکی از افزایش مزد سال ۱۴۰۵ است که کارفرمایان و دولت به ما بدهکارند. تصمیم‌گیری در این موارد بنابر شرایط خاص کشور، به این طرف سال موکول شد وگرنه باید در همان جلسه همه موضوعات از جمله افزایش حق تأهل و بن خواربار، تعیین تکلیف می‌شد.

او در ادامه بیان کرد: ما در جلسات مزدی به وزرای کار و اقتصاد گفته بودیم اثرات حذف ارز ترجیحی که در دی‌ماه سال گذشته رخ داد، فقط در بهمن و اسفند بروز نمی‌کند و مانند تجربیات قبلی، شوک دوم آن قطعاً در خردادماه ظاهر خواهد شد. وزیر اقتصاد اصرار داشت که فقط یک شوک قیمتی در اثر این سیاست ایجاد خواهد شد و در آن طرف سال دیگر شوک قیمتی نخواهیم داشت؛ اما پیش‌بینی متخصصان طرف کارگری برخلاف پیش‌بینی وزیر اقتصاد دولت چهاردهم و متخصصان سازمان برنامه و بودجه، درست درآمد و تورم نیز هرگز نزولی نشد! به گفته این نماینده‌ها، کارگری، اکنون حق جامعه کارگری است که در راستای وعده‌های مطرح شده و متن صریح مصوبه مزدی در زمینه ترمیم مزد، منتظر افزایش دستمزد باشند.

محسن باقری همچنین تشریح کرد: ما برگزاری جلسه ترمیم مزد را وظیفه مسئولان می‌دانیم و تعیین دستور کار جلسه از سوی شرکای اجتماعی و از طریق پیشنهاد کتبی، حق قانونی و روشنی است که ما از آن استفاده می‌کنیم. در ماه‌های فروردین و اردیبهشت جلسات شورای عالی کار برگزار شد اما با توجه به اولویت‌های وزارت کار، دستورکارها در مورد مسائلی چون جنگ، ماده ۱۹۱ قانون کار و سایر مسائل بود.

اکنون تقاضای جامعه کارگری از ما نمایندگان مزدی این است که ترمیم مزد در دستور کار قرار گیرد و ما هم به صورت جدی پیگیری این بحث در جلسه بعدی شورای عالی کار خواهیم داشت. لازم الاجراست.

وی در پایان اظهار کرد: ما از دولت می‌خواهیم که موضوع ترمیم مزد را در دستور کار نشست بعدی شورای عالی کار قرار دهد. بحث افزایش کالابریک، وعده‌ای است که جامعه کارگری منتظر آن است و اگر این اقدام هم صورت گیرد، باز هم صورت گیرد، باز هم افزایش مزد مطابق با نرخ‌های جدید و اصلاح آئیم‌های بن کارگری و حق تأهل و... نیز باید در دستور کار مذاکرات شورای عالی کار قرار گیرد تا بتوانیم آثار زیان بار تورم را مهار کنیم.



لزوم ترمیم مزد برای نیمه دوم سال

”

ما از دولت می‌خواهیم که موضوع ترمیم مزد را در دستور کار نشست بعدی شورای عالی کار قرار دهد. بحث افزایش کالابریک، وعده‌ای است که جامعه کارگری منتظر آن است و اگر این اقدام هم صورت گیرد، باز هم افزایش مزد مطابق با نرخ‌های جدید و اصلاح آئیم‌های بن کارگری و حق تأهل و... نیز باید در دستور کار مذاکرات شورای عالی کار قرار گیرد تا بتوانیم آثار زیان بار تورم را مهار کنیم.

که اساساً قرار نبود بحث کالابریک در موضوعات مزدی و مذاکرات آن قید وفای عهد وزیر قبلی کار شد- نشان می‌دهد که پیش از این نیز جدال با دولت‌ها برای تحقق ترمیم دستمزد، یک موضوع پرحاشیه در شورای عالی کار بوده است.

ترمیم مزد را وظیفه می‌دانیم!

محسن باقری (عضو کارگری کمیته مزد شورای عالی کار و عضو هیات مدیره کانون شورا‌های اسلامی کار تهران) بر ضرورت اصلاح مزد و برخی مزایای مزدی تأکید دارد. او در گفت‌وگو با ایلنا تصریح می‌کند: آن دسته دوستانی که برگزاری جلسه برای بررسی بحث ترمیم مزد را محتمل نمی‌دانند، باید به این نکته توجه کنند که دولت قرار بود تا خردادماه مبلغ کالابریک را افزایش دهد. این قول محقق نشد و این بدقولی، برای مطالبه ما در گروه کارگری مشروعیت ایجاد می‌کند.

وی می‌افزاید: ما در مصوبه رسمی شورای عالی کار در رابطه با

مزد سال ۱۴۰۵ به صراحت ذکر کردیم که تا شهریورماه بدون هیچ پیش شرطی، باید مزد مورد بازنگری قرار گیرد. حق تأهل

و بن کارگری، اساساً افزایش نیافت و این شروط که تورم مهار و

شورا، قیمت برخی اقلام نسبت به دی‌ماه پارسال ۴ برابر شده

است. پیشنهاد ما این است که

برای مطالبه ترمیم مزد باز گذاشت؛ البته تجربه سال ۱۴۰۲ که منجر به اخراج یکی از اعضای شورای عالی کار پس از مطالبه وفای عهد وزیر قبلی کار شد- نشان می‌دهد که پیش از این نیز جدال با دولت‌ها برای تحقق ترمیم دستمزد، یک موضوع پرحاشیه در شورای عالی کار بوده است.

”

آیا بر اساس وعده‌های پیشین دولت وزیر کار، ترمیم مزد برای نیمه دوم امسال اتفاق می‌افتد؟

در بسیاری از کشورهایی که نرخ‌های تورمی خاص در شرایط ویژه اقتصادی و سیاسی آن کشور رخ می‌دهد، ترمیم حداقل دستمزد چند بار در سال، روالی عادی است. هم ونزوئلا و هم ترکیه که در سال‌های اخیر از معدود کشورهای جهان با تورم بالای ۵۰ درصد بودند، چنین اقدامی را صورت دادند. کشورهایی مانند پاناما، بولیوی و آرژانتین نیز که با نرخ‌های تورم بالا افزایش دستمزد را محقق نکردند، در نهایت با نارضایتی و اعتراضات گسترده کارگران روبرو شدند و با سرکوب مردم، به فقر و نابرابری بیشتر دامن زدند.

وزیر کار دولت چهاردهم در پایان جلسه‌ی شورای عالی کار اسفندماه ۱۴۰۴، از امکان افزایش مزایای مزدی (مانند بن کارگری و...) و ترمیم مزد در بین سال در صورت تداوم رشد تورم سخن گفته بود و به اعضای کارگری قول داده بود که این اتفاق می‌افتد.

در ماه‌های گذشته، برخلاف قول و قرارها، به بحث کالابریک و افزایش آن محقق شد و نه با کاهش نرخ تورم مواجه شدیم و این موضوع در حقیقت دست طرف کارگری شورای عالی کار را

اخبار



شوک جنگ علیه ایران برزنجیره کود جهانی

جنگ علیه ایران ۳۰ درصد از عرضه کود نیتروژن جهان را قطع کرده و امنیت غذایی میلیاردها نفر را تهدید می‌کند.

در اوایل قرن بیستم، توسعه فرآیند «هابر-بوش» برای تولید کود نیتروژن از گاز طبیعی و سپس انقلاب سبز، در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، با افزایش چشمگیر عملکرد محصولات، بیش از یک میلیارد نفر را از قحطی نجات داد. به لطف این معجزه کشاورزی مدرن، با وجود سه برابر شدن جمعیت جهان از سال ۱۹۶۰، زمین‌های کشاورزی تنها ۱۴ درصد گسترش یافتند، زیرا میانگین عملکرد در هر هکتار بیش از سه برابر شد. اما با آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران، کود و نیتروژن به نیتریک اخبار تبدیل شدند. این درگیری ۱۷ درصد از عرضه گاز طبیعی جهان و بیش از ۳۰ درصد از کود نیتروژن را مختل کرد. بسته شدن تنگه هرمز باعث توقف صدها کشتی، تعطیلی کارخانه‌های تولید گاز و کود و تخریب تأسیسات توسط موشک‌ها و پهپادها شد. از آنجا که تولید اوره (مهم‌ترین کود نیتروژنه) وابستگی شدیدی به گاز طبیعی دارد، حتی با باز ماندن تنگه، ماه‌ها یا سال‌ها طول خواهد کشید تا تولید به شرایط عادی پیش از جنگ بازگردد. قیمت جهانی اوره درست در فصل کشت در هند، آمریکا و استرالیا به شدت جهش یافت. هند برای تأمین نیاز جمعیت غلیم خود، مقادیر زیادی کود را با قیمت‌های نجومی خریداری کرد که سهمیه سایر کشورها را کاهش داد. در استرالیا، کشاورزان به دلیل عدم توجیه اقتصادی هزینه‌های کود، مجبور به کاهش کشت کند شدند. در برخی نقاط آفریقا، کشاورزان اصلاً نتوانستند کود پیدا کنند و در برزیل، کشاورزان مجبور به انتخاب بین فشار مالی سنگین با پذیرش محصول کوچک‌تر شدند.

این بحران باعث جهش شاخص قیمت مواد غذایی فائو (FAO) شد. اکنون، گرمای شدید تابستان و الگوی آب‌وهوایی «الانیو» که در گذشته باعث خشکسالی و کاهش بارندگی در هند شده است، می‌تواند کمبودها را تشدید کند. با توجه به اینکه برخی دولت‌ها ممکن است برای حفظ ذخایر داخلی، صادرات مواد غذایی اساسی را محدود کنند، شوک عرضه ناشی از جنگ ایران و آل نینینو می‌تواند قیمت‌ها را برای مدت طولانی بالا نگه دارد و فشار شدیدی بر جمعیت‌های آسیب‌پذیر جهان وارد کند.

صندوق‌های ارزی؛ از جذب ارزهای سرگردان تا چالش اعتماد عمومی

ابعاد کوچک صندوق‌های ارزی نشان می‌دهد سیاست‌گذار فعلاً با احتیاط و در قالب یک آزمون اولیه وارد این مسیر شده است.

اخیراً از دو صندوق درآمد ثابت ارزی با مجوز بانک مرکزی با حضور مسئولان اقتصادی رونمایی شده است. در همین رابطه افقه کارشناس اقتصادی در پاسخ به این پرسش که چرا در چنین شرایطی این پیشنهادها را مطرح شد گفت: به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران چاره‌ای جز این ندارند و به دنبال آن هستند که سرمایه‌ها را راکد در اختیار مردم را به چرخه اقتصاد بازگردانند. هدف اصلی این است که این منابع در فرآیند تولید و رشد اقتصادی سال آینده به کار گرفته شود و از این طریق بخشی از مشکلات اقتصادی کشور کاهش یابد. همچنین صفاری کارشناس بازار سرمایه با بیان اینکه شرکت‌های تولیدی همواره نیاز ارزی برای واردات مواد اولیه، تجهیزات و ماشین‌آلات دارند، گفت: استفاده از منابع صندوق‌های ارزی می‌تواند وابستگی بنگاه‌ها به منابع بانکی را کاهش داده و از ظرفیت سرمایه‌های مردمی برای تأمین مالی تولید استفاده کند؛ موضوعی که در نهایت به نفع اقتصاد کشور خواهد بود.

چرا سقف صندوق‌های ارز محدود است؟

از سوی دیگر کوچک بودن سقف اولیه صندوق‌های درآمد ثابت ارزی را به بیش از آنکه نشانه بی‌اعتقادی دولت به این ابزار دانست، علامتی از احتیاط سیاست‌گذار در شروع یک بازار جدید و حساس تلقی کرد. وقتی حداقل و حداکثر اندازه صندوق اول فقط بین یک تا ۱۰ میلیون دلار تعریف می‌شود، پیام روشن این است که دولت و نهاد ناظر فعلاً می‌خواهند این ابزار را در مقیاس محدود، کنترل شده و با ریسک پایین آزمایش کنند؛ به‌ویژه در اقتصادی مانند ایران که بازار ارز هم از نظر سیاسی و هم از نظر انتظارات تورمی، بازاری بسیار حساس است. به همین دلیل، این صندوق‌ها در فاز اول بیشتر به پروژه پایلوت شبیه‌اند تا یک ابزار بزرگ و فراگیر برای جذب گسترده ارزهای خانگی. این احتیاط البته بی‌دلیل نیست. صندوق ارزی قرار است دو کار هم‌زمان انجام دهد: یک سو ارزهای سرگردان و راکد مردم و صادرکنندگان را به یک بستر رسمی و شفاف بکشد و از سوی دیگر منابع جمع‌شده را به سمت تأمین مالی تولید و پروژه‌های صادرات‌محور هدایت کند؛ اما موفقیت این ایده مشروط به آن است که سرمایه‌گذار مطمئن باشد

اصل سرمایه و سود را واقعاً به ارز دریافت می‌کند، امکان خروج دارد و در میانه راه با محدودیت‌های سیاسی یا تغییر مقررات غافلگیر نمی‌شود. در اقتصادی که سابقه چندخردنی بودن ارز، محدودیت نقل و انتقال، تغییرات مکرر مقررات و بی‌اعتمادی نسبت به وعده‌های ارزی وجود دارد، طبیعی است که سیاست‌گذار ابتدا با ابعاد کوچک‌تر جلو برود تا هم سازوکار اجرایی صندوق‌ها محک بزند و هم واکنش بازار را بسنجد. گزارش‌ها منتش‌شده درباره این صندوق‌ها نیز نشان می‌دهد که بانک مرکزی حتی سقف صدور واحدها را خود تعیین می‌کند و این به خوبی نشان‌دهنده حساسیت بالای سیاست‌گذار نسبت به ابعاد این بازار است. اما اگر هدف اصلی این صندوق‌ها جمع‌آوری ارزهای سرگردان و تزریق آن به تولید است، در مقیاس فعلی نمی‌توان انتظار اثرگذاری بزرگ داشت. بازار سرمایه ایران و حتی حجم ارزهای خانگی برآوردشده در اقتصاد، به مراتب بزرگ‌تر از صندوق‌هایی با سقف چند میلیون دلار است؛ بنابراین در کوتاه‌مدت، کارکرد اصلی این صندوق‌ها بیشتر سینگنال‌سازی و ایجاد زیرساخت است تا جذب منابع بزرگ. به بیان دیگر، دولت فعلاً در حال ساختن «قالب» این ابزار است؛ اگر قالب جواب بدهد، بعد می‌توان آن را بزرگ کرد. درنتیجه، پاسخ به این سؤال که «آیا این صندوق‌ها فاز آزمایشی‌اند؟» تا حد زیادی مثبت است؛ بله در شکل فعلی بیشتر یک فاز آزمایشی و اعتمادساز هستند تا یک مداخله بزرگ در بازار ارز و تأمین مالی تولید. مسئله مهم‌ترین است که چگونه می‌توان عمق این صندوق‌ها را افزایش داد و اعتماد عمومی به آنها را بالا برد؟ در سطح کلان، پاسخ قطعی مالی نیست؛ نهادهای و سیاستی هم هست. مهم‌ترین پیش‌شرط، تضمین معتبر بازپرداخت اصل و سود به همان ارز است.

جنگ‌ها فقط زیرساخت‌ها را تخریب نمی‌کنند؛

گاهی سرمایه‌ای کم‌تظیر از اعتماد، همبستگی و مشارکت عمومی نیز خلق می‌کنند. چالش اصلی دوران پساجنگ، نه حفظ این سرمایه اجتماعی در سطح شعار و روایت، بلکه تبدیل آن به سازوکارهای پایدار توسعه است. در این میان، اوراق مشارکت عمرانی می‌تواند با یک بازطراحی اساسی، از ابزار تأمین مالی دولت به پلی میان سرمایه‌های مردمی و بازسازی اقتصاد تبدیل شود.

بیش از ۴۰ سال حضور مردم در میدان و خیابان‌ها، شکل‌گیری ده‌ها گروه جهادی و ثبت‌نام ده‌ها میلیونی در پوش «جانفاد»، از منظر اقتصادی فقط یک موج احساسی زودگذر نیست. این بخدا نشانه تراکم بی‌سابقه سرمایه اجتماعی در مقطع پساجنگ رمضان است؛ لحظه‌ای که در آن اعتماد به حاکمیت، احساس تعلق ملی و آمادگی برای تحمل هزینه هم‌زمان تقویت شده است.

مسئله اینجاست که اگر این سرمایه اجتماعی به زبان ابزارهای اقتصادی و مالی ترجمه نشود، خیلی سریع به سطح خاطره و روایت فروگامسته می‌شود و اثر توسعه‌ای پایداری بر جای نمی‌گذارد. در چنین شرایطی، بازاندیشی در «اوراق مشارکت» به عنوان یک ابزار قدیمی اما قابل احیا، معنای ویژه‌ای پیدای می‌کند.

ناکامی تاریخی اوراق مشارکت عمرانی

ایده اوراق مشارکت برای تأمین مالی طرح‌های عمرانی در اقتصاد ایران جدید نیست. سال‌هاست که دولت‌ها در مواجهه با کمبود منابع بودجه‌ای، به انتشار اوراق مشارکت روی آورده‌اند اما تجربه گذشته نشان می‌دهد که این ابزار آن‌گونه که باید، به کارکرد اصلی خود یعنی پیوند دادن منابع مردمی با درآمد‌های پروژه‌ای نزدیک نشده است.

در بسیاری از موارد، اوراق مشارکت عمرانی نه‌بر جریان نقدی همان پروژه، بلکه بر تعهد بازپرداخت دولت تکیه داشته؛ یعنی دولت، چه از محل بودجه عمومی و چه از طریق شبکه بانکی، خود را متعهد به پرداخت اصل و سود اوراق کرده است. نتیجه روشن است: اوراق مشارکت به تدریج یک ابزار مشارکت عمومی، به یک ابزار بدهی پرهزینه تبدیل شده که در نهایت ترازنامه بانک‌ها را متورم و پایه پولی را تحت فشار قرار داده است. برخی از این اوراق در عمل به مطالبات معوق شبکه بانکی بدل شده و بخشی از بحران‌ها را ترازنامه‌ای سال‌های اخیر تشدید کرده‌اند.

در چنین فضایی، طبیعی است که حساسیت سیاست‌گذار نسبت به اوراق مشارکت افزایش پیدا کند؛ اما همین حساسیت، اگر صرفاً به احتیاط و انفعال منجر شود، فرصت‌کنونی را می‌سوزاند. تفاوت امروز

با گذشته این است که پشتوانه اجتماعی انتشار اوراق مشارکت، صرفاً منطق مالی نیست، بلکه موجی از سرمایه اجتماعی پساجنگ وجود دارد که می‌تواند به این ابزار معنا و کارکردی تازه بدهد.

اوراق مشارکت به عنوان ابزار «مشارکت ملی»

اگر بخواهیم اوراق مشارکت را از یک ابزار بدهی دولتی به یک سازوکار مشارکت ملی تبدیل کنیم، باید از طراحی شروع کنیم. محور اصلی، این است که کل زنجیره انتشار، خرید و بازپرداخت اوراق، با منطق هم‌زمان مالی و اجتماعی بازطراحی شود.

نخستین مؤلفه، «اساختار بازدهی اوراق مشارکت» است. در اقتصادی با تورم مزمن، نمی‌توان از مردم انتظار داشت صرفاً بر پایه انگیزه‌های هویتی و ملی، اوراقی را بخرند که بازدهی آن‌ها از گزینه‌های دیگر عقب‌تر است. پیشنهاد تعیین نرخ سود در محدوده ۳۰ درصد، اگر با دقت و در تناسب با نرخ تورم و سود بانکی تنظیم شود، می‌تواند جایگاه اوراق مشارکت عمرانی را در سید سرمایه‌گذاری خانوارها و بنگاه‌ها تثبیت کند؛ اما نرخ سود بالا بدون پشتوانه جریان نقدی، به سرعت به همان مسیر قبلی یعنی افزایش بدهی دولت منتهی خواهد شد؛ بنابراین این تصمیم باید هم‌زمان با اولویت دادن به پروژه‌های دارای بازدهی عملیاتی بالا اتخاذ شود.

دومین مؤلفه، «دسترسی پذیری اوراق مشارکت» است. تجربه نشان داده که محدود کردن خرید اوراق به کانال‌های سنتی بانکی، مشارکت را به طبقه‌ای محدود تقلیل می‌دهد. اگر اوراق مشارکت



انتخاب پروژه؛ قلب تپنده اوراق مشارکت عمرانی همه این طراحی‌ها، بدون انتخاب درست پروژه‌ها، می‌تواند دوباره به تجربه‌ای ناموفق ختم شود. محور اصلی در انتشار اوراق مشارکت باید «پروژه‌های بازدهنده» باشد؛ یعنی طرح‌هایی که امکان بازپرداخت بخشی از هزینه تأمین مالی را از محل درآمد خدمات دارند. مثلاً آزادراه‌هایی که با اخذ عوارض معقول اداره می‌شوند، کپردروهای حمل‌ونقل که زمان و هزینه لجستیک را کاهش می‌دهند، نیروگاه‌هایی که برق را در قالب قراردادهای بلندمدت به صنایع می‌فروشند و خطوط ریلی باری با تعرفه‌های اقتصادی، همگی ظرفیت آن را دارند که بخشی از جریان نقدی خود را به بازپرداخت اوراق اختصاص دهند.

در مقابل، استفاده از اوراق مشارکت برای پروژه‌هایی که اساساً امکان قیمت‌گذاری اقتصادی خدمات را ندارند، مانند بخشی از طرح‌های آبی باید با احتیاط جدی همراه باشد. در این گونه موارد، اوراق مشارکت عملاً به ابزاری برای انتقال ریسک از زمان حال به آینده واز جامعه امروز به دولت‌های بعدی تبدیل می‌شود. این دقیقاً همان مسیری است که در گذشته تجربه شده و به افزایش بدبینی نسبت به اوراق انجامیده است.

پیوند اوراق مشارکت با سرمایه اجتماعی و نیکوکاری

اوراق مشارکت پساجنگ، اگر صرفاً به عنوان یک ابزار مالی دیده شود، بخشی از ظرفیت‌کنونی را از دست خواهد داد. نقطه تمایز امروز، وجود سرمایه اجتماعی متراکم است؛ سرمایه‌ای که اگر در طراحی و روایت اوراق مشارکت لحاظ شود، می‌تواند به این ابزار معنایی

فراتر از «سود ثابت» بدهد. در این چارچوب، خرید اوراق مشارکت می‌تواند در ذهن بخشی از جامعه، معادل نوعی مشارکت در بازسازی کشور تعریف شود؛ امتداد مالی همان «جانفادنی» که در خیابان‌ها و پوشش هابروز کر، اینجاست که ظرفیت صندوق‌های سرمایه‌گذاری نیکوکاری» در «بازار سرمایه پیدای می‌کند. می‌توان سازوکاری طراحی کرد که بخشی از سود اوراق مشارکت با کارمزدهای مرتبط با انتشار و معامله آن، به صورت پیش‌فرض یا اختیاری به صندوق‌های نیکوکاری بازسازی جنگ اختصاص یابد. همچنین امکان آن وجود دارد که برخی خریداران، داوطلبانه درصدی از سود خود را به این صندوق‌ها منتقل کنند. به این ترتیب، معماری دوطبقه‌ای شکل می‌گیرد: در سطح اول، اوراق مشارکت عمرانی با سود ثابت و ویژگی جذاب مالی، ابزار اصلی جذب منابع در عموم مردم است. در سطح دوم، صندوق‌های نیکوکاری، به عنوان کانال تخصیص بخشی از این منابع با سودهای آن، به پروژه‌های عام‌المنفعه در مناطق آسیب‌دیده عمل می‌کنند. این ترکیب، اوراق مشارکت را در دو مدار قرار می‌دهد: مدار انتفاعی و مدار انبثاری و همین دوگانه است که می‌تواند مشارکت را پایدار ر تضمین کند.

اوراق مشارکت به عنوان ترجمان مالی سرمایه اجتماعی لحظاتی‌امج هم‌گرایی ملی، اگر صرفاً در قالب تصویر و روایت باقی بمانند، به سرعت از حافظه جمعی کنار می‌روند. چالش اصلی سیاست‌گذاری اقتصادی پساجنگ این است که این سرمایه اجتماعی را به سازوکارهای مالی پایدار تبدیل کند. «اوراق مشارکت» در این میان، یک ابزار قدیمی اما قابل احیاست؛ به شرط آن که بازطراحی شود و از قالب بدهی صرف دولتی خارج گردد.

اوراق مشارکت عمرانی با نرخ سود رقابتی، دسترسی آسان دیجیتال، وثیقه‌پذیری، معافیت مالیاتی و مهم‌تر از همه، پشتوانه پروژه‌های بازدهنده‌ای، می‌تواند به ترجمان مالی سرمایه اجتماعی تبدیل شود. وقتی این ابزار به صندوق‌های نیکوکاری و سازوکارهای نیکوکارانه بازار سرمایه گره بخورد، فاصله میان «جانفادنی» و «سرمایه‌گذاری ملی» کاهش پیدا می‌کند. در این چارچوب، مردم نه فقط نامشاگر سیاست‌های بازسازی، بلکه شریک مالی آن خواهند بود؛ زیرساخت‌ها با سرعت و کارایی بیشتری تکمیل می‌شوند و دولت نیز بدون اتکا به مسیرهای تورم‌زا، می‌تواند ظرفیت توسعه و بازآرندگی کشور را تقویت کند. در نهایت، آنچه باقی می‌ماند، نه فقط خاطره یک بسجج اجتماعی، بلکه نهادهای مالی است که این سرمایه اجتماعی را به زبان توسعه ترجمه کرده است.



پیمان عشق وفاداری؛

دستان پینه بسته‌ای که حماسهٔ وداع را ساختند

سمیه کلپور

فعال کارگری

امروز که ایران در سوگ رهبر فرزانه و شهید خودایستاده است، در میان غبار غم و شکوه مراسم وداع و تشییع، حقیقتی به بلندای دستان پینه‌بستهٔ کارگران می‌درخشد. ما کارگران، امروز نه تنها صاحب‌عزای این سوگ ملی که «معمران این حماسهٔ وداع» هستیم، مامیرات‌دار کسی هستیم که در واپسین دیدارهایش، کارگران را «نیروی ساده» که «ستون قوام و دوام جامعه» و «مهم‌ترین سرمایهٔ کشور» نامید. رهبر شهید ما در آخرین دیدار خود با جامعه کارگری در ۲۰۰ اردیبهشت ۱۴۰۴، با صراحتی بی‌برده، مسئلهٔ کارگر را فراتر از یک موضوع صنفی، «مسئلهٔ سرنوشت کشور» خواند. ایشان با نگاهی پدانه و مطالبه‌گرانه، بر سفلی‌هایی را بری‌ار ما و مسئولان کشور به یادگار گذاشتند که امروز، در میانه‌این وداع تلخ، به «منشور مطالبات جامعه کارگری» تبدیل شده است. آنچه ایشان برای ما به یادگار گذاشت (منشور مطالبات) رهبر شهید در واپسین دیدار، از خلأهایی گفت که دیگر نباید در جمهوری اسلامی وجود داشته باشند. نگاه ایشان، نگاه عدالت‌محوری بود که هیچ کارگری را از دایرهٔ توجه خارج نمی‌کرد:

۱. امنیت جانی و شغلی؛ حق حیات کارگر؛ ایمنی بدنی و امنیت شغلی، پیش‌شرط‌های حیات کارگرنند. ایشان هشدار دادند که وقتی کارگر نگران قرارداد موقت است یا در کارگاهی ناامن فعالیت می‌کند، یعنی «ستون تولید» در حال فرو ریختن است. ۲. سفره و معیشت؛ وصیت‌نامهٔ معیشتی رهبر شهید؛ این بخش، قلب تپندهٔ دغدغه‌های ایشان بود. سفره کارگر برای «خط قرمز» بود. خطاب به مسئولانی که امروز در این مراسم حاضرند: اگر به دنبال رضایت روح آن شهید از عملکرد خویش هستید، بدانید کهغدغهٔ اصلی او، معیشت شما نبود؛ سفره کارگر بود. ایشان بارها خواستند که مسئولان، طعم تلخ مشکلات را بچشند تا برای حل آن، با تمام توان برخیزند. سفره کارگر، «وصیت‌نامهٔ معیشتی» اوست؛ آن را از توهم، تبعیض و کوچک‌نشدن روزمره نجات دهید. کارگر امروز، نه وعده‌های بخشش‌آمیه که «اقدام عاجل» برای تناسپ مزد با هزینه‌های واقعی زندگی می‌خواهد.

۳. مسکن و درمان؛ پشتوانه‌ای‌کمی زندگی انسانی؛ در اندیشهٔ ایشان، کارگر نباید دردمند هزینه‌های سرسام‌آور درمان یاالوار اجازه خانه‌ها به‌یاد. رفاه خانوادهٔ کارگر، تضمین‌کنندهٔ آرامش روانی جامعه است. ۴. آموزش، مهارت و عدالت؛ راه‌اقتدار؛ ایشان «آموزش فنی و حرفه‌ای» را کلید اقتدار اقتصادی دانستند و هرگونه تبعیض را عامل سرخوردگی نیروی کار برشمردند. کارگر،مهار، سرمایه‌ملی است، نه ابزار دست سوداگران، ما و میراث او؛ حماسهٔ خدمت در روز وداع رهبر شهید سال‌ها پای کارگر، «ایستاد و امروز، تاریخ شاهد است که این کارگران اند که «پای مراسم وداع او» ایستاده‌اند. مسئولانی که در این‌ایمان شاهد نظم و شکوه مراسم‌اند، بدانند چه کسانی این سباط عشق را برپا کردند:اند؛ کارگران با دستان اشک‌بار، تاوت‌های مطه‌ر را ساختند و جایگاه بدن‌های پاک شه‌دار را بنا کردند. کارگران پرچم‌های عزرا و انتقام را برافراشتند، سیستم‌های برق و سرمایش را در گرما برپا کردند و نگذاشتند هیچ چیز زمین بماند. کارگران انتظامات، امنیت میلیون‌ها عازر را تضمین کردند. همن‌دسان کارگر، فضای وداع را بهترین شکل ممکن مه‌ندسی کردند. کادر درمان کارگر، در قامت پزشکان و پرستاران، جان‌های ضعیف دل‌ش‌گستان را ترمیم کردند. کارگران پاکبان، جوهره‌ای را مراسم عظیم را پاکیزه نگاه داشتند. فعالان بخش آموزش و فرهنگ، در موکب‌های «یاد یاره»، خدمات فرهنگی برای تسکین درد فراق ارائه دادند. کارگران بخش خدمات، سفره‌های پذیرایی را با عشق پهن کردند تا تشنگی و گرسنگی، عاشقان را بی‌تاب نکند. این دوندگی بی‌وقفه و خدمت بی‌منت، نه برای حقوق و پاداش که برای وفاداری به کسی بود که «کارگر» را «مجاهد اقتصادی» نامید.

پیمان ما مایمیرات رهبر شهید

ما کارگران، امروز در حالی که با رهبر خوداع می‌کنیم، عهدی دوباره می‌بن‌دیم، ما از آن میراث فکری، «عدالت» را مطالبه می‌کنیم. ما اجازه نخواهیم داد که دغدغه‌های ایشان در مورد «سفره معیشت»، «امنیت شغلی»، «استعزاد عادلانه» و «اکرامت کارگر» به فراموشی سپرده‌شود. اگر ایشان فرمودند که «مسئولان مخاطب این حرف‌ها هستند، ما نیز به عنوان جامعه کارگری، خود را بیکپیر اجرای این وصایا می‌دانیم، ما هما‌ن طور که مراسم وداع او را با دستان خالی اما دل‌ی پُر از عشق مدیریت کردیم، در مطالبهٔ حقوق حقه خود نیز با همین «اصلیت» ایستاده‌ایم. به مسئولان یادآور می‌شویم: اگر می‌خواهید در پیشگاه او رهبر شهید سربلند باشید، «سفره کارگر» را به جایگاه حقیقی اش بازگردانید. این، مهم‌ترین آزمون شما در پس این وداع است.

تنظیم بازار از آخرین حلقه زنجیره توزیع

مسئله اصلی تنظیم بازار، نه تشدید مداخلات بلکه تکمیل حلقه داده در آخرین بخش زنجیره توزیع است. هر بار که بازار یکی از کالاهای اساسی با التهاب، کمبود یا افزایش تقاضا روبه‌رو می‌شود، نسخه‌های همیشگی روی میز قرار می‌گیرد: افزایش عرضه، تشدید بازرسی، توزیع ذخایر یا برخورد با متخلفان؛ اما یک سؤال اساسی کمتر مطرح می‌شود: آیا سیاست‌گذار در لحظه تصمیم‌گیری، تصویر دقیقی از وضعیت واقعی بازار در اختیار دارد؟ اگر پاسخ مثبت بود، چرا بسیاری از مداخلات زمانی انجام می‌شود که کمبود به سطح فروشگاه‌ها رسیده، صف‌های خرید شکل گرفته و نگرانی مردم افزایش یافته است؟ واقعیت این است که نظام تنظیم بازار با یک نقطه کور جدی مواجه است: آخرین حلقه زنجیره توزیع، دولت اطلاعات نسبتاً دقیقی از میزان واردات، تولید و حتی بخشی از شبکه توزیع در اختیار دارد، اما هرچه کالا به محل عرضه و مصرف نزدیک‌تر می‌شود، این تصویر ناقص‌تر می‌شود. سیاست‌گذار معمولاً تا داند چه میزان از یک کالای اساسی در فروشگاه‌ها موجود است، در کدام مناطق موجودی در حال کاهش است و مردم در کدام نقاط با مشکل دسترسی مواجه شده‌اند. همین خلأ اطلاعاتی باعث می‌شود تصمیم‌هایش از آنکه بر داده‌های واقعی استوار باشند، بر گزارش‌های مودی و برآوردهای غیرمستقیم تکیه کنند. پیامد این وضعیت راه می‌تواند در بسیاری از نوسانات بازار مشاهده کرد. گاهی کالا در کشور وجود دارد، اما به دلیل نبود تصویری دقیق از وضعیت عرضه، توزیع آن به‌موقع مدیریت نمی‌شود. گاهی نیز کمبود واقعی با تقاضای هیجانی اشتباه گرفته می‌شود و مداخلاتی انجام می‌شود که نه‌تنها مسئله را حل نمی‌کند، بلکه هزینه‌های بیشتری به دولت و مردم تحمیل می‌کند. در چنین شرایطی، تنظیم بازار به جای آنکه پیش‌نگرو مبتنی بر شواهد باشد، به اقدامی واکنشی تبدیل می‌شود؛ اقدامی که معمولاً پس از آشکار شدن بحران آغاز می‌شود.

■ یکشنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۵

■ ۲۷ محرم ۱۴۴۸

■ ۱۲ July ۲۰۲۶

■ شماره ۵۰۳

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹

■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



بازآرایی تجارت ایران در سایه کاهش وابستگی به امارات

گزارش

امارات طی دودهه گذشته به مهم‌ترین هاب واسطه‌ای تجارت ایران تبدیل شده؛ جایگاهی که اگرچه در دوران تحریم بخشی از نیازهای تجاری کشور را تأمین کرده اما هم‌زمان هزینه مبادلات، وابستگی لجستیکی و خروج میلیاردها دلار ارزش افزوده از اقتصاد ایران را نیز به همراه داشته است. در اقتصاد ایران کمتر کشوری به اندازه امارات نقشی دوگانه ایفا کرده است. از یک‌سو، این کشور در سال‌های تحریم به درجه‌ای برای تأمین کالا، انتقال پول، ثبت شرکت‌ها و ارتباط با بازارهای جهانی تبدیل شد و از سوی دیگر، همین نقش واسطه‌ای باعث شد بخش قابل توجهی از سود تجارت خارجی، اشتغال، خدمات مالی و درآمد‌های لجستیکی به جای ایران، در اقتصاد امارات وارد شود. بررسی ساختار تجارت خارجی نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از کالاهایی که منش تولید آنها چین، اروپا، هند یا حتی روسیه است، ابتدا وارد بندار امارات می‌شوند و سپس پس از تغییر اسناد، بسته‌بندی مجدد یا انجام تشریفات تجاری، راهی ایران می‌شوند. این چرخه، علاوه بر افزایش هزینه حمل‌ونقل، هزینه‌های بانکی، بیمه واسطه‌گری را نیز بالا برده و در نهایت قیمت تمام‌شده کالا برای مصرف‌کننده ایرانی را افزایش داده است. البته نباید این وابستگی را صرفاً نتیجه انتخاب تجار دانست. تحریم‌های مالی، محدودیت دسترسی به شبکه بانکی بین‌المللی، مشکلات بیمه کشتیرانی، محدودیت‌های نقل‌وانتقال از نبود روابط کارگزاری بانکی گسترده، عملابسیاری از فعالان اقتصادی را به استفاده از مسیر امارات سوق داده است. به بیان دیگر، دبی بیش از آنکه علت این وابستگی باشد، محصول مجموعه‌ای از محدودیت‌های ساختاری اقتصاد ایران است. تحولات ژئوپلیتیکی سال ۲۰۲۶ نیز بار دیگر نشان داد که تمرکز بیش از حد تجارت بر یک مسیر تاجه اندازه می‌تواند آسیب‌زا باشد. تنش‌های نظامی در منطقه و اختلال در امنیت خلیج فارس، ریسک فعالیت‌های تجاری را افزایش داد و بار دیگر اهمیت تنوع بخشی به مسیرهای وارد و صادرات را برجسته کرد.

بررسی اندیشه اقتصادی رهبر شهید درباره مشارکت مردم در اقتصاد وتولید

رهبر شهید انقلاب با ارائه راهکارهای مشخص درباره مسائل اقتصادی، مسیر حرکت کشور را ترسیم کرده‌اند.

رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند با اشاره به دیدگاه‌های اقتصادی رهبر شهید انقلاب، مشارکت مردم در اقتصاد را شرط اساسی رشد تولید و توسعه پایدار دانست و گفت: هدایت سرمایه‌های خرد به سمت تولید از طریق ابزارهایی مانند جمع‌سپاری مالی می‌تواند بسیاری از پروژه‌های ملی را بدون اتکا به سرمایه‌گذاران خارجی به‌سراجام برساند.

سیدطه‌حسین مدنی گفت: در سال‌های اخیر، افزایش نقش مردم در اقتصاد و بهره‌گیری از سرمایه‌های خرد برای تقویت تولید، به یکی از مهمترین ضرورت‌های سیاست‌های اقتصادی کشور تبدیل شده است.

تأکید رهبر شهید بر هدایت نقدینگی در مسیر درست مدنی با اشاره به تأکیدات رهبر شهید در این سال‌ها بر این موضوعات مهم، تصریح کرد: بررسی دیدگاه‌های رهبر شهید انقلاب اسلامی نشان می‌دهد ایشان همواره بر ضرورت هدایت نقدینگی به سمت فعالیت‌های مولد، رفع موانع سرمایه‌گذاری و ایجاد بستری مناسب برای حضور مردم در عرصه اقتصاد تأکید داشته‌اند.

رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند با اشاره به منظومه فکری رهبر شهید انقلاب در حوزه اقتصاد، گفت: رشد تولید، کنترل تورم و دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار بدون مشارکت واقعی مردم و جهت‌دهی سرمایه‌ها به سمت بخش‌های مولد امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل، استفاده از ابزارهای نوین تأمین مالی و فراهم کردن مسیرهای مطمئن برای ورود سرمایه‌های خرد به پروژه‌های تولیدی و زیرساختی، می‌تواند نقش مهمی در تحقق این اهداف ایفا کند. مدنی افزود: توجه رهبر شهید انقلاب به اقتصاد نقدینگی به بیان کلیات محدود نبوده، بلکه در سال‌های مختلف با نام‌گذاری سال‌ها و همچنین ارائه راهکارهای مشخص درباره مسائل اقتصادی، مسیر حرکت کشور را ترسیم کرده‌اند. از نگاه ایشان، مشارکت مردم در اقتصاد یکی از ارکان اصلی پیشرفت کشور محسوب می‌شود و هدایت نقدینگی به سمت تولید، رفع موانع سرمایه‌گذاری، معرفی فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری و جلوگیری از ورود سرمایه‌ها به بازارهای غیرمولد، از مهمترین الزامات تحقق این هدف است.

رئیس اندیشکده حکمرانی هوشمند با اشاره به تأکیدات رهبر شهید درباره مدیریت نقدینگی گفت: ایشان در

عبور دلاز راهکاری که به زیرساخت نیاز دارد

وابستگی به امارات فقط محصول نظام پرداخت نیست؛ بخش مهمی از آن به شبکه حمل‌ونقل و لجستیک بازمی‌گردد. بخش مهمی از پرداخت‌های بین‌المللی ایران از طریق واسطه‌ها انجام شود، طبیعی است که کشورهایی مانند امارات همچنان نقش پررنگی در تجارت خارجی ایران داشته باشند. در سال‌های اخیر، استفاده از ارزهای محلی و پیمان‌های پولی دوجانبه بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. ایران اکنون علاوه بر عضویت در بریکس، از طریق توافق تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا نیز فرصت گسترش مبادلات غیردلاری را در اختیار دارد؛ ظرفیتی که در صورت تکمیل زیرساخت‌های بانکی می‌تواند بخشی از هزینه‌های تجارت خارجی را کاهش دهد. با این حال، کارشناسان تأکید می‌کنند که نباید مانع «کاهش وابستگی به دلار» و «حذف دلار» علامت مسایو گذاشت. واقعیت این است که حتی در سال ۲۰۲۶ نیز دلار همچنان از غالب تجارت جهانی باقی مانده و حتی در داخل بریکس نیز خبری از ارز مشترک نیست. آنچه در عمل در حال توسعه است، اتصال سامانه‌های پرداخت، تسویه با ارزهای ملی و کاهش وابستگی به شبکه‌های مالی غربی است، نه ایجاد یک پول واحد. از این منظر، ایران نیز اگر بخواهد هزینه تجارت خارجی را کاهش دهد، باید بیش از آنکه بر شعار «حذف دلار» تمرکز کند، به دنبال توسعه روابط کارگزاری بانکی، انعقاد پیمان‌های پولی با شرکای اصلی و ایجاد سازوکارهای مطمئن برای تسویه معاملات باشد. در غیر این صورت، واردکننده ایرانی همچنان ترجیح خواهد داد از همان مسیرهایی استفاده کند که ریسک کمتری دارند؛ حتی اگر هزینه بیشتری به اقتصاد کشور تحمیل کنند. از سوی دیگر، نباید فراموش کرد که خود امارات نیز امروز عضو بریکس است و در تلاش است جایگاه خود را به عنوان هاب مالی و تجاری این بلوک تقویت کند. این بدان معناست که رقابت ایران با امارات صرفاً یک رقابت منطقه‌ای نیست، بلکه رقابتی بر سر ارائه خدمات مالی، لجستیکی و تجاری است؛ حوزه‌ای که فقط با توسعه زیرساخت‌های داخلی می‌توان در آن سهم بیشتری به دست آورد.

گرمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی

کمرکی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی